

<div><div></div>دریچه</div>

تبریک کانون کارگردانان سینمای ایران به اصغر فرهادی

● در پی کسب جایزه بزرگ هیئت داوران هفتادوچهارمین جشنواره فیلم کن توسط فیلم «قهرمان» کانون کارگردانان سینمای ایران پیام تبریکی منتشر کرد که در آن آمده است: «آقای فرهادی عزیز دریافت جایزه بزرگ هیئت داوران جشنواره کن را به شما و عوامل فیلم «قهرمان» تبریک می‌گوییم. در این روزهای سخت و دشوار برای مردم و سینمای ایران، خبر موفقیت فیلم شما در جشنواره کن باعث خوشحالی و افتخار است.»

۶ تئاتر به صحنه آمد

● **هنرآلاین**: هم‌اکنون ۱۴ نمایش در هشت تالار نمایشی تهران روی صحنه است. به روال هر هفته مروری داریم بر نمایش‌هایی که در تهران روی صحنه هستند. نمایش «ریورساید درایو» نوشته وودی آلن، ترجمه محمدرضا اوزار و کار مرتضی بزرگزادگان از ۲۴ تیر ساعت ۱۹ در سالن صنوبر این پردیس با بازی محمدرضا هاشمی، بابک قادری و ساتاز روشنی روی صحنه رفت. این تماشاخانه ساعت ۱۹:۳۰ پذیرای نمایش «خاک‌سفید» نوشته محمود احدی‌نیا و کار محمدرضا هلال‌زاده است و صادق برقی، فرید رحمتی، میلاد معیری، مهدی یگانه، نسا؛ یوسفی، حسین کریمی، محسن رضوی‌نیا، علی اسحاقی، سحر بهرامی، علی پویاقاسمی، المیرا صرامی و سهیل ناچی در آن نقش ایفا می‌کنند. سالن صنوبر این تماشاخانه ساعت ۲۰ میزبان نمایش «بازی‌های کشتار همگانی» نوشته اوزن یونسکو با ترجمه داوود رشیدی و طراحی، دراماتورژی و کارگردانی بهروز سروعلی‌شاهی است. بازیگران این نمایش مهدی بازدار، آیت بی‌غم، احمد حامدی، ملیکا شهاب، عبدالرضا صفری‌دریایی، نسترن صفری، ساره گندمی، لیدا مفیدی، سهیلا مفیدی، شاهین ملکزاده، سعید نبوی، محمد امیددوست، سهیل خباززاده، پوریا محسنی و حسام زرنوشه هستند. نمایش «مشاهیر» نوشته و کار افشین واعظی ساعت ۱۸:۳۰ در این تالار نمایشی با بازی حامد شریف‌پور، عباس خاوردیان، صبا ابریشمی، نریمان حدیدی، برپا ابریشمی، حامد مقدسی، سارینا لوسائنی، سپیده اسلامی، سعید عظیمی، افشین واعظی، حمید رشید، فریدماه مسگرنیا، محمدحسین رحیم، سعید عظیمی، ساتاز شاه‌علی، سیما نجف‌زاده، تیارا بانکی، علی شعاعی، شهاب نظام‌دوست، شهریار کاکمار، حسین ابراهیمی، کیما آهنگران، مستوره فیضی، محمد سهیبری، شیوارضایی، آتنا رسول‌زاده، علیرضا موسوی، رامین جعفری، امین شادولی، سپیده علی‌محمدی، محمدامین رشنادی، محمد سلطان‌پور، نسترن آقاچانی، شقایق آقاچانی، شیفته خردمل، محمود ساعی، امیرحسین احمدوند، امیر بشیره‌نژاد، آرمان علیرضایی، حدیث قیطاسی، متین پاک، محمد کریمی، نیلوفر تاونگر، برپا خداکریمی، سوگند روستایی، متین خیلی، آیدا احمدی، احمد ریکی، محمد پخشئی، پریسا طهماسب، رخساره شجاع‌الدین، سعید قاسمی، ثنا زرجی، محمد فرحبخش، محمدرضا علیپور، مسعود عابدی، عباس خداوردیان، میلاد صیادمیری، نگار اکبری، ستاره پروین، برپا ابراهیمی، علی سببی و نازنین دبدوه‌را اجرا می‌شود. این تماشاخانه از ۲۱ تیر ساعت ۱۷:۳۰ پذیرای نمایش «دایی وانیا» به نویسندگی آنتوان چخوف، ترجمه اسماعیل حسن‌زاده و دراماتورژی و کارگردانی امیر کارگر است. بازیگران این‌نمایش مهدی لونی، هانیه گلیلیگانی، هادی فلاح، ریحانه سرلک، میلاد رستگار، آتنا اسماعیلی و سیدحسین خرم هستند.

همچنین نمایش «هیچ‌کس چیزی نمی‌شه» نوشته بوته گارنر بر ترجمه شادی جلیلیان و کارگردانی فرشید هند‌ساعت ۱۹:۳۰ در این مجموعه با بازی علیرضا زرگوشیان، حسین کریمی، طاهره بهرامی‌نهادف، مجتبی عراقی، عاطفه چوپانی، میترا طره، بهزاد حبیبی، ماهان خامنی، سیما کیخداقمد، محمود پاکژاد و داود معینی‌کیا روی صحنه است.

نمایش «مک مردود» نوشته ناصر کاظمی، لعیا علی‌نژاد، سیدحامد کریمی، علی بوستانی و آنا هوشیدری با طراحی و کارگردانی ناصر کاظمی ساعت ۲۰ در سالن شماره دو این تالار نمایشی روی صحنه است. ناصر کاظمی، لعیا علی‌نژاد، سیدحامد قریشی و علی بوستانی بازیگران این نمایش هستند.

نمایش «خوک هندی» نوشته سباستین تیری با ترجمه ساتازفلاح‌فرد و کارگردانی رامین دولت‌آبادی از ۲۳ تیر ساعت ۱۸:۳۰ در نمایش‌های این مجموعه روی صحنه است. نگار عزیزی، محمد براتعلی، فائزه ثنائی، لاله حشمت‌پسند و امیرحسین نعیمی بازیگران آن هستند. نمایش «مطلق» نوشته راد پورجبار و محمدرضا هدایتی و کارگردانی راد پورجبار ساعت ۲۰ در این مجموعه اجرا می‌شود. بازیگران این نمایش مهناز افتاده‌نیا، مهیار قزل‌سوفلو، هانیه مقدم، نعیمه دوستی، آوا طلوعی، جلال محبی، حامد مهدی‌نژاد، فرشید شایسته، مجید عراقی، محمدجواد شیععی، توحید لوسائنی، نازنین دولفقاری و فراتاش دوراندیش هستند. «بووکی ووگی بردوی» نوشته و کار آرش سنجایی از ۲۲ تیر ساعت ۱۸ در این مجموعه با بازی صبا ایزدپناه، سهیل بابایی، پردیس زارع، علی زندی، نازنین صلح‌جو، بهزاد عبیدی، نادر فلاح، پریسا محسنی و هانیه مقدم روی صحنه است.

نمایش «در حضور باد» نیز به نویسندگی بهرام بیضایی و طراحی و کارگردانی علی جهانچونیا ساعت ۱۷ با ایفا نقش رضا رشیدی‌اقدم، نشاط رازانی و علی جهانچونیا در این تماشاخانه اجرا می‌شود.



روایتی از هفتادوچهارمین دوره برگزاری جشنواره فیلم کن

دست‌یافتنی



بهروز بادروح*

تا به امروز در جشنواره‌های مختلفی حضور داشته‌ام. از ایدفا و ونیز و لوکارو گرفته تا شیکاگو، شورت‌لیست اسکار و… اما شعف حضور در جشنواره فیلم کن، نکته‌ای است که در مراوده با بسیاری از دوستان فیلم‌سازم از آنها می‌شوم. اینکه فیلم‌هایشان در این جشنواره دیده شود. باید اعتراف کنم که این کنجکاوی در من هم بود و همیشه دوست داشتم که حضور در جشنواره فیلم کن را تجربه کنم و امسال با فیلم «ارتودنسی» در بخش مسابقه اصلی، این اتفاق برایم رقم خورد. اما چرا جشنواره فیلم کن برای همه فیلم‌سازان و مخاطبان سینما مهم و جذاب است؟ بخشی از پاسخ به این پرسش به پیشینه جشنواره فیلم کن مربوط است؛ اینکه چطور و چرا شکل گرفت. برگزاری این رویداد موضوعی تاریخی است و البته حمایت دولت فرانسه از برگزار این جشنواره مثال‌زدنی است و سودی که جشنواره فیلم کن برای کشور فرانسه و شهر کن دارد، باعث می‌شود تا هزینه زیادی بابت راه‌اندازی و برگزاری آن شود.

استراتژی جشنواره کن در انتخاب فیلم از بیشتر نقاط دنیا، نکته قابل توجهی است. اینکه موازی با آن، فیلم‌سازانی را پرورش می‌دهند که به مرور در سال‌های پیش‌رو از خلاقیت آنها بهره‌وری کنند. باعث می‌شود مخاطبان زیادی از تمام نقاط دنیا با چنین جشنواره‌ای همراه شوند. از طرف دیگر سیاست‌گذاری جشنواره کن به‌گونه‌ای است که سعی می‌کند اغلب از فیلم‌سازانی که در کشور خودشان کمتر دیده می‌شوند یا از نظر سیاسی دیدگاهی دارند، نام ببرد و نقطه‌نظرات آنها را گسترش دهد. مجموع این عوامل به علاوه نگاه بینرسی پیرامون برگزاری این

هنر

چهره‌های شناخته‌شده، باعث می‌شود که حواشی و جنجال بیشتری در جشنواره ایجاد شود.

یکی از نکات دیگر برگزاری جشنواره فیلم کن، انتخاب فیلم‌های حاضر در این رویداد است. انتخابی که مثل چیدن مهره‌های شطرنج است. با انتخاب‌کردن مدیران و هیئت انتخاب و داوری فستیوال، سیاست‌گذاری آن مشخص شده و بر اساس آن چیدمان داورها و هیئت انتخاب مشخص می‌شود. هر سال از کشورهای مختلف و ترکیب بازیگران متفاوت در این جشنواره حضور دارند و این انتخاب‌ها باعث می‌شود نوع چیدمان فیلم‌ها و نوع فیلم‌هایی که قرار است بدرخشند کمی مشخص‌تر شود. گاهی حتی منتقدان هم می‌دانند امسال با وجود نفراتی در هیئت داوران مثلا فیلم‌های هنری کمتر دیده می‌شوند یا فیلم‌های اجتماعی امکان درخشش بیشتری دارند. مثل همین امسال که به نظر می‌رسد فضای فیلم‌های قصه‌گو و داستانی و شهری بیشتر دیده شد. البته این موضوع برای طیف زیادی از حاضران در جشنواره فیلم کن پذیرفته‌شده است و اعتراضی روی آن وجود ندارد؛ اما نکته جالب دیگری که در کن امسال دیدم، این بود که گویا حوصله حاضران در جشنواره به نسبت سال‌های قبل کمتر شده است. شرایط قرنطینه و پاندمی به‌نوعی مردم را بی‌حوصله‌تر کرده و احتیاج به دیدن داستان جالب‌تر و مخاطبان این جشنواره یا دیدن فیلم‌هایی با ایستایی زیاد مشکل داشتند و در عین حال که دوست داشتند فیلم‌های داستانی ببینند، مایل نبودند ماجراهای فیلم مدام تکرار شود و دچار چالش شوند. ترجیح می‌دادند فیلم‌هایی را ببینند که کمی داستان‌گو باشد و راحت‌تر پیش برود و نکته‌ای که در فیلم آقای فرهادی برخی با آن مشکل داشتند این بود که در این فیلم زیادی ماجرا برای آدم‌ها ایجاد می‌شود و این موضوع برای آنها کمی خسته‌کننده بود.

و در نهایت افرادی که از چندین سال پیش در کن بودند و تجربه بیشتری از فیلم‌دیدن در این فضا داشتند، اذعان کردند در این دوره از جشنواره بی‌نظمی خاصی دیده می‌شد؛ همه چیز طبق روال پیش نمی‌رفت و آدم‌ها کمی دستپاچه بودند.

اما اختتامیه جشنواره هم قابل تأمل بود. «اسپایک لی» رئیس هیئت داوران بخش رقابتی جشنواره، از ابتدا از اینکه چرا برگزیدگان به زبان مادری صحبت می‌کنند، کمی عصبانی به نظر می‌رسید و حتی به شوخی به این موضوع اشاره کرد که «چرا هرکسی به زبان خودش حرف می‌زند و انگلیسی صحبت کنید» و به نظرم دلیل اینکه ابتدا نام برنده جایزه نخل طلا را فاش کرد این بود که قصد داشت شوکی به مراسم وارد کند. در تمام طول مراسم هم یکی از داوران کنارش بود تا صحبت برگزیدگان جشنواره را برایش ترجمه کند.

بد نیست به سطح کیفی فیلم‌های این دوره از جشنواره هم اشاره کنم، در این دوره حضور خانم‌ها در بخش‌های مختلف پررنگ بود و به نظرم همین موضوع در انتخاب فیلم‌هایی که خانم‌ها کارگردانی کرده بودند تأثیر داشت. البته این موضوع به‌هیچ‌وجه از ارزش کارشان کم نمی‌کند. اما مثلا اگر روی انتخاب دو فیلم تردید وجود داشت، سعی می‌شد این فیلم‌هایی که خانم‌ها ساختند تمرکز بیشتری شود. بااین‌حال، اختتامیه این رویداد هنری هم مثل تمام مراسم‌ها مشابه خوب دنیا، بسیار سریع برگزار شد و پیش رفت و وقتی نوبت به جایزه ویژه هیئت داوران رسید «بیوهو کاسمان» روی صحنه آمد تا جایزه را به‌صورت مشترک با اصغر فرهادی بگیرد، گفت: «آمده بودم اینجا که فیلم بخرم و ببینم و خیلی خوشحالم که در کنار شما ایستادم». بعد از اعطای جوایز، مراسم خیلی سریع تمام شد و به‌سرعت همه چیز به روال گذشته و ۱۵ روز قبل از آغاز برگزاری جشنواره برگشت.

●**مدیر فیلم‌بردار**

نگاهی به یک دهه سریال‌های پرهزینه و طولانی تلویزیون

احترام به سلیقه مخاطب

متوقف شد و این توقف باعث به‌تعلیق در آمدن کل پروژه شد. در مدت‌زمان بیش از یک سال تعطیلی این پروژه، بسیاری از افرادی که با ما همکاری می‌کردند، جذب پروژه‌های دیگر شدند و من هم در این فاصله چند فیلم سینمایی ساختم. بعد از این مدت با تغییر مدیریت کل سازمان صداسویما مجدد سراخ پروژه «سرزمین کهن» برگشتند و صحبت‌هایی برای آغاز کار صورت گرفت. البته حضور آقای پورمحمدی تأثیر بسیاری در آغاز مجدد این پروژه داشت. خوشبختانه همکاری با ادااماتی که در آن مقطع انجام دادیم، تقریبا همه مدیران رده‌بالای سازمان مطمئن شدند صددقیقه‌ای که سانسور شده بود، بی‌دلیل بوده و باید به مجموعه اضافه شود. بنابراین بسیاری از حرفیاتی که در فاز یک از سمت مدیران بر ما تحمیل شده بود، به سریال اضافه می‌شود و زمانی که دوباره سریال از ابتدا پخش شود، دیگر حذفیاتی نخواهد داشت.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «درحقیقت علت اصلی توقف سریال همین بود که سعی داشتند تاریخ را از جناحی که خودشان به آن اعتقاد دارند، روایت کنند. به اعتقاد من این روش جواب نمی‌دهد و باید اجازه داد با وفاداری به تاریخ روزشمار انقلاب، قصه را پیش ببریم. ما در این سریال سعی کردیم تاریخ را به آن شکلی که مورد تأیید همه است، روایت کنیم و در برخی مقاطع تاریخی که مقداری نظرات مختلف وجود دارد، تصمیم ما این شد که اساسا موضوع را مطرح نکنیم یا به‌طورکلی به آن بپردازیم. البته وقتی شما درباره شرایط اجتماعی- سیاسی مقطع زمانی خاصی فیلم می‌سازید، قطعاً این اختلاف‌نظر به وجود می‌آید. به‌هرحال باید بپذیریم شخصی که به‌عنوان کارگردان در تلویزیون کار می‌کند، به‌عنوان یک انسان، دارای جهان‌بینی خاصی است. منش و دیدگاه خاص خودش را دارد و طبیعتاً این دیدگاه با فیلم‌نامه‌ای که در دست دارد و عواملی که با آنها همکاری می‌کند، ترکیب می‌شود و نتیجه، خروجی اثر حاصل فکر و نگاه آنهاست. «سرزمین کهن» را اگر من بسازم، به یک شکل است و اگر شخص دیگری بسازد، قطعاً به شکل دیگری خواهد بود. باید اجازه داد تا در تلویزیون انعکاس همه افکار اجتماعی را ببینیم.»

سریال«سرزمین کهن» ازجمله سریال‌های پرهزینه تلویزیون

است که در حضور افراد متخصص در مقابل و پشت دوربین ساخته

شد و در طول ساخت مجموعه‌هایی از این دست، توقف پروژه

یا تصویربرداری طولانی‌مدت و در بسیاری از مواقع فاصله‌های

بسیار میان توقف چندین هفته‌ای پروژه و بار دیگر شروع ساخت،

دشواری‌های بسیاری برای گروه تولید ایجاد می‌کند.

در سال‌های گذشته بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی با

<div><div></div>یادداشت</div>

معماری با بوم‌نقاشی



● **حسین گنجی**

● از روزی که سزان گفت: «باید همه مشهودات را با واسطه حجم‌های هندسی منظم چون استوانه، کره، مخروط به تصویر درآورد» که می‌توان او را طبیعتا متأثر از معماری و شکل هندسی محیط دانست تا بعدتر که پیکاسو، کوبیسم را به آن شکل معرفی کرد. آن‌گونه که دست به شیوه‌هایی بزند که ضوابط دیرین هنر نقاشی را کنار بگذارد، لباس سنت بر تن هنر تنگ آمده بود. یعنی از بعد از رنسانس که جهان به فهم عبور از تقلید و درک اهمیت تجربه‌گرایی دست پیدا کرد، فضای فعالیت میان‌رشته‌ای و تأثیرگرفتن از هنرهای زیستی و هنری دیگر، هر روز قدرت و قوام بیشتری یافت. به‌گونه‌ای که امروز می‌توانیم به جرئت بگوییم دیگر چیزی به عنوان هنر خلق نمی‌شود، مگر متأثر از هنرهای دیگر و بهادان به تجربه‌های شخصی و آزمون و خطا برای بیرون آمدن از لباس تنگ سنت.



باگذاشتن به مرزهای میان‌رشته‌ای در هنر، همچون در علم در دو منظر اجرایی و اندیشگی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. در اجرا و شکل خلق، حاصل درآمیختگی مهارت‌ها و دانش‌هایی است که هر هنرمند در رشته خود به دست آورده است و هنرمندی دیگر در رشته‌ای می‌تواند از آن بهره برده و به تجربه تازه‌ای دست پیدا کند. از منظر محتوا و معنا اما تأثیرات فراگیرتر و دامنه وسیع‌تری از الهام‌گیری و برداشت، پیش‌روی هنرمند قرار دارد. اینجاست که هنر همواره مثل کوهی، مرتب مرتفع‌تر می‌شود؛ زیرا هر سنگی بر روی سنگی دیگر قرار می‌گیرد و ارتفاع و کیفیت هنر را هر چه معاصرتر ارتقابخشدهرتر می‌توان دریافت. کم‌اینکه این‌را برخی قبول نداشته باشند و بر اساس سلیقه یا معنا حتی هنوز دل‌بسته دوران پیشامعاصر، یعنی بخش‌هایی از کویه‌های‌این ای کوه بزرگ، مانده باشند.

امروزه مطالعات میان‌ رشته‌ای با هدف یکپارچه‌سازی ایده‌های رشته‌های مختلف برای دستیابی به یک زبان مشترک و البته دستیابی به یک ایده و حرف تازه، کمک شایانی به رشد علمی و محتوایی به انواع رشته‌ها کرده است. مباحث میان‌رشته‌ای همواره سهم قابل توجهی در تولید نظریات و اندیشه و تصاویر تازه داشته‌اند. توجه به گرایش میان‌رشته‌ای و بهره‌گیری از مفصل‌های مشترک و کاربردی هنرهای گرافیک، معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی، حتی قابلییاف و… توانسته نقش غیرقابل‌انکار و پیش‌برنده‌ای را در هنر مدرن امروز ایجاد کند. هنری که به نظرم به دلیل همین حرکت در این مرزهای سرزمینی توانسته پیشروتر از زمانه خودش حرف بزند و گاهی این حرف‌ها از فهم این زمانی نیز خارج شده و گاهی نه، به فهم این زمانی ما از پدیده‌ها کمک کرده است.

آنتار مریم عابدی را از این منظر می‌توان بهترین گزینه برای مطالعه هنری دانست که کاملا متأثر از فضای میان‌رشته‌ای در هنر خلق شده‌اند. این نگاه میانی هم از آثار خوانش می‌شود و هم از مسیری که او در آموختن هنر طی کرده. قابل استنباط است. «پیشینه من به تحصیل در رشته گرافیک دانشگاه تهران بازمی‌گردد اما همواره به حوزه‌های مستقل‌تری چون طراحی فیکوراتیو نیز علاقه‌مند بودم. این علاقه‌مندی سبب شد به حوزه مجسمه‌سازی نیز راه پیدا کنم. مدتی با رافی داووتیان در سیستم کلاسیک و روسی در کارگاه هنر مجسمه و طراحی کار کردم. از آنجا که الفیای نقاشی با طراحی متفاوت است دربی یافتن پاسخ برای بخشی از پرسش‌هایم به سمت یادگیری نقاشی و آشنایی با این رسانه نیز سوق پیدا کردم. در این مسیر با چند نفر در ایران دوره‌هایی را گذراندم اما آنچه می‌گذراختم را به دست نیآوردم. به نیویورک رفتم و در آکادمی New York Academy of Art دوره نقاشی را گذراندم. بر اساس این بخش از صحبت‌های او در یک گفت‌وگو، همچون آبی میان‌یافتی و جست‌وجوگر در میان آموختن و یافتن، به کشف‌های شخصی دست یافته است که خصوصا در شکل اجرا و کار با متریال، او را به تجربه تازه و متفاوتی رسانده است. در معنا هم، آنجا که هنرمند باید انتخاب کند چه می‌خواهد بگوید و به‌اصطلاح پاهای خود را می‌خواهد بر زمین کجا محکم بگذارد، به گذشته‌های دور مراجعه کرده است. با آنکه مدتی در غرب بوده و آموزش دیده آنجاست، به شرق برگشته و در حوزه اندیشه و معنا و آنجا که حرفی را قرار است بزند، به شرق رو آورده است. البته شکل اجرا و متریال همواره در خدمت معنا نیز هست و تجربه‌های غربی و شرقی او، همچون تجربه‌های کار در حوزه‌های مختلف هنری، وی را در نهایت به برکه شخصی و برداشت شخصی و یگانه خود رسانده است.

ادامه در صفحه ۷